

«مستقل بودن؛ شاخص عباس(ع) شدن»

کانال حکمت بیان:

<https://eita.com/hekmat-ebayan>

زندگی منفعلانه، زندگی فعالانه

ما دو نوع زندگی کردن، داریم، یک نوع زندگی که خیلی خفت بار و حداقلی است؛ «زندگی منفعلانه» هست که اکثر آدم ها این طوری زندگی می کنند، اما نوع دیگری از زندگی از وجود دارد که خیلی با حال و پر انرژی است و اصلا حوصله آدم در این نوع زندگی سر نمی رود، دائما آدم، موج مثبت دریافت می کند، و این موج مثبت را به دیگران هم منتقل می کند، این نوع دوم زندگی، زندگی فعالانه است. اگرچه تعداد آدم های که فعالانه زندگی می کنند کم هستند اما این عده کم همیشه، بر روی آن عده زیاد اثر گذار هستند. تعدادشان کم اما اثر گذاریشان زیاد است.

مستقل بودن یا نبودن، شاخص زندگی فعالانه و زندگی منفعلانه

شاخص زندگی فعالانه و زندگی منفعلانه چیست؟ شاخص زندگی فعالانه و منفعلانه، مستقل بودن یا مستقل نبودن است. آدم های که مستقل زندگی می

کنند، زندگی فعالانه دارند، دیگران برای او تصمیم نمی گیرند، خودشان تصمیم گرفته اند که زندگی خودشان را مدیریت کنند برعکس زندگی منفعلانه، زندگی منفعلانه، زندگی است که دیگران به جای من و تو تصمیم می گیرند. یک نوع وادادگی و انفعال در این نوع زندگی وجود دارد.

چگونه موبایل یک فرم زندگی منفعلانه را ترویج می کند

مثلاً همین گوشی های که دست و من و شما هست. یک مدل زندگی منفعلانه را به صورت ناخودآگاه به خورد آدم می دهد. البته آدم می تواند از این گوشی، برای زندگی فعالانه استفاده کند. اما این گوشی را ساخته اند برای اینکه آدم ها زندگی منفعلانه داشته باشند، هر وقت دلشان خواست، پیام بدهند، هر وقت دلشان خواست، ذهن و دل مرا با خود و بی خود مشغول کنند. همین الان هم ممکن هست ما سرمان داخل گوشی باشد و مشغول این زندگی منفعلانه که به ما تحمیل می کنند.

خیلی باید شاخک های ذهن ما و سنسورهای مغز ما فعال باشند، وسط تمام فعالیت ها، تست کن الان این پیام را می بینم، خودم می بینم یا یک فرم زندگی منفعلانه را دارم تجربه می کنم؟

پای فیلم و سریال منفعلانه ننشین!

آدم های که منفعل زندگی می کنند یعنی مستقل نیستند، دائم پای این فیلم و آن شبکه هستند. آدم ها وقتی فیلم می بینند، منفعل هستند، دل و ذهنشان را در اختیار کارگردان مفت و مجانی می گذارند، اصلاً حواسشان نیست، این فیلم چه

پیامی را گذاشت در سبد دل ما، این فیلم چه پیامی را گذاشت داخل سبد ذهن ما. پای فیلم نشستنی؛ قدری با احتیاط، قدری گارد خودت را ببند، بگو نکند می خواهد بدون اجازه من، روی دل و ذهن من اثر بگذارد؟ امام حسن (ع) من تعجب می کنم از آدم ها، وقتی می خواهند غذا بخورند، توجه دارند این غذا چیست اما وقتی خوراک فکری دریافت می کنند، توجه ندارند.

درس خواندن هم باید منفعلانه نباشد

زندگی فعالانه، یک زندگی مستقل هست. یک زندگی شیک و با کلاس. من شما را دعوت می کنم به مستقل بودن، به زندگی فعالانه. شاید این حرف ها بعضی ها را یاغی و طاغی کند، درس خواندن هم باید منفعلانه نباشد، بگو چرا باید فیزیک بخوانم؟ چرا باید ریاضی بخوانم؟ اصلا چرا باید درس بخوانم؟ وقتی منفعلانه درس نخواندی، بهتر و بیشتر درس می خوانی. اصلا خود کتاب هایی می خوانی، که شاید اصلا درسی هم نباشد، چون لازم می دانی آن کتاب ها را بخوانی. فرمود متقین این گونه هستند که گوش های خودشان را وقف علم نافع و سودمند می کنند^۱، اصلا وقت ندارند علم غیر سودمند دریافت کنند.

کسی که به خاطر نمره درس می خواند، به خاطر حضور و غیاب درس می خواند، این زندگی منفعلانه دارد بعد می گوئیم چرا خط تولید علم ما راه نمی افتد؟ خانه از پای بست ویران است خواهی در بند نقش ایوان است.

^۱ نهج البلاغه، خ ۱۹۳.

لذت ها را تو انتخاب کن نگذار لذت ها تو را انتخاب کنند

اگر می خواهید زندگی فعالانه داشته باشید، اسیر نباشید، آزاد باشید، مستقل باشید. نگذارید دیگران شما را مدیریت کنند، خودتان خودتان را مدیریت کنید، بعضی ها، لذت ها را انتخاب می کنند، بعضی ها هم لذت ها آنها را انتخاب می کنند. مثلاً یکی از لذت ها، لذت خوردن است. بعد امیرالمومنین می فرماید من برادری داشتم که خیلی در چشم من بزرگ بود به خاطر اینکه دنیا در چشم او کوچک بود. «كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ وَكَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ»^۲ بعد اولین شاخص این آدم بزرگ را اینگونه بیان می کنند. او کسی بود که از سلطه شکم نجات پیدا کرده بود؛ وَ كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ بعد فرمود او کسی بود که اشتهاى چیزی که نبود را نمی کرد و زیاده روی در آنچه که داشت نمی کرد و بیشتر عمرش را روزه بود؛ لَا يَشْتَهِي [يَتَشَهَّى] مَا لَا يَجِدُ وَ لَا يُكْتَبُ إِذَا وَجَدَ وَ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتاً^۳ یعنی کنترل شکم دست خودش بود. چقدر آدم باید مستقل باشد، حتی از لذت های خودش. خودش لذت های را انتخاب می کند، مقدارش را، میزانش را.

^۲ نهج البلاغه، خ ۲۸۹

^۳ همان.

جامعه که زندگی منفعلانه را بر زندگی فعالانه ترجیح می دهد، استعداد فوق

العاده برای برده شدن و به بردگی کشیده شدن دارد

رفقا! خودمان را از این زندگی منفعلانه نجات دهیم، بدبخت می شویم، برده خواهیم شد. جامعه که زندگی منفعلانه را بر زندگی فعالانه ترجیح می دهد، استعداد فوق العاده برای برده شدن و به بردگی کشیده شدن دارد. زندگی منفعلانه، زندگی برده واری است. بره ها را دیدید؛ یک بره که به یک طرف می پرد، بقیه برها هم به همان طرف می روند.

جامعه که منتظر باشد، دیگران مشکلات او را حل کنند، دائما چشم انتظار رفع تحریم باشد، این زندگی منفعلانه و جامعه منفعل است. چرا رهبری می فرماید به جای اینکه منتظر رفع تحریم ها باشید، به دنبال بی اثر کردن تحریم باشید، این یعنی دعوت به یک زندگی فعالانه و شما می دانید اکثر آدم ها حال، یک زندگی زیبایی فعالانه را ندارند.

اصل خوب بودن به این است که آدم ها خودشان باشند

اصل خوب بودن به این است که آدم ها خودشان باشند. مادرها به جای اینکه دائما به بچه ها بگویند، خوب باش، بگو خودت باش. زندگی فعالانه، خیلی آدم ها را روی پای خودشان نگه می دارد.

چگونه تقوا، آدم ها را مستقل و فعال تربیت می کند؟

زندگی فعالانه شاخصش چیست؟ مستقل بودن. بعد تقوا مدلی است که زندگی انسان را خیلی فعال و مستقل می چیند. امیرالمومنین فرمود: «تقوای الهی، شما را از هر بند اسارتی رها و آزاد می کند، عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَکَةٍ»^۴

تقوا می گوید عزیزم خودت باش! نه اسیر تشویق باش نه اسیر تعریف باش. نه بگذار حتی بلاها روی تو اثر بگذارد، امیرالمومنین در اوصاف متقین، می فرماید اینها حالشان در بلا با حالشان در خوشی ها یکی است. «نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ»^۵ دید بعضی ها در بلا، چقدر منفعل می شوند، خدا به کمی پیچ رزق و روزی را بچرخاند، با خدا دعوا می کنند می گویند خدا به من اهانت کرد. «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِي»^۶ بعضی ها به کمی پیچ رزق و روزی را آن طرف بچرخاند، باز با خدا قهر می کنند، طغیان می کنند. اما متقین چی؟ این تقوا یک مدل زندگی کردن را به آدم معرفی می کند، که آدم ها خیلی مستقل می شوند.

شاخص عباس زینب(س) بودن چیست؟

این شعار مشهور شد بین مدافعین حریم و حرم اهل بیت که «کلنا عباسک یا زینب!» ما همه عباس تو هستیم؟ شاخص این عباس شدن چیست؟ مستقل بودن

^۴ نهج البلاغه، خ ۲۳۰.

^۵ نهج البلاغه، خ ۱۹۳.

^۶ فجر، ۱۶.

و منفعل نبودن. تمام. در زیارت نامه حضرت عباس چه می خوانیم؟ شهادت می دهم عباس جان! تو سست نشدی و عقب گرد نکردی؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ^۷ ببینید جهاد، جای است که بسیار جاده لغزنده و لیز هست. شما کافی هست که کمی بی احتیاط کنی، پای تو می لغزد اما جانم به این عباس بن علی (ع) در این جاده لغزنده یک ذره هم پایش نلغزید. چقدر باید مستحکم باشی تا نلغزی در جای که لیز و لغزنده هست؟

در حرم عباس، به یاد مستقل بودن عباس بیفتیم

من که هر بار به حرم عباس (ع)، پا می گذارم، یاد استحکام شخصیت و این استواری و استقامت که همه ریشه در مستقل بودن عباس دارد، می افتم. جان به این عباس! چرا عباس اینقدر جان نثار دارد؟ چون عباس خیلی مستقل هست. آدم ها عاشق مستقل بودن هستند.

هی امام حسین (ع)، از عباسش تعریف می کند. عباس به خودش نمی گرفت. هی امام حسین (ع) می گفت: «بِنَفْسِي أَنْتَ يَا أَحْيَى»^۸ داداش جانم فدای تو باد! ذره در دل عباس، غرور، عجب محال هست. از آن طرف هرچقدر دشمن تلاش کرد در دل عباس نفوذ کند، شمر صدا می زد امان نامه! عباس نگاه نمی کرد، آخرسر، امام حسین (ع) فرمود برو عباس جانم! بعد چطور با امان نامه دشمن برخورد کرد. فرمود: «الهی دستت بشکند، لعنت بر امان نامه ات؛ تَبَّتْ يَدَاكَ وَ لَعْنٌ مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ»^۹ یک جویری برخورد کرد، دشمن را نا امید کرد.

^۷ کامل الزیارت، ص ۲۵۷

^۸ الارشاد، ج ۲، ص ۹۰

^۹ اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، النص، ص: ۸۹.

چقدر این شخصیت مستقل هست. این عباس مستقل می شود، امید خیمه ها، همه به او چشم دوخته اند. همه به او دل بسته اند.

اگر از نام عباس، یاد مستقل بودن افتادیم، یعنی یک قدم به ساحت والا مقام، حضرت ابوالفضل (ع)، نزدیک شده ایم. به ما اجازه دادند، با یک معرفت عمیق تری به محضر قمر بنی هاشم، برسیم. فدای وفاداری و سقای دشت کربلا بودن عباس بشوم اما این ویژگی ها، آن گوهر مرکزی خوبی های آقا را نشان نمی دهد، اصل ماجرا این استقلال روحی عباس است. از عباس یاد مستقل بودن افتادیم، یعنی درست و دقیق عباس را به اندازه درک و فهم خودمان فهمیدیم.

جامعه که عباس دارد، خیلی باید مستقل باشد

جامعه که عباس دارد، خیلی باید مستقل باشد نه منفعل. اقتصادش باید خیلی مستقل باشد نه منفعل. چرا؟ چون پای علمداری سینه زده است که سر تا پا مستقل است. مهم ترین اثر استقلال روحی، استحکام روحی است. جامعه که مستقل باشد، مستحکم خواهد شد. کوه ها تکان بخورد، او تکان نمی خورد.

چرا می شود جامعه را با ادبیات مذاکره، فریب داد؟

چرا می شود جامعه را با ادبیات مذاکره، فریب داد؟ چرا همیشه زمزمه مذاکره، در هر دولتی اقتصاد ما را ملتهب می کند؟ چرا ادبیات اقتصاد مقاومتی، در جامعه خواهان ندارد، باید بیش از ده سال رهبری دم بزند از اقتصاد مقاومتی، اما این دم، باز دم زیادی ندارد؟ باز می رسیم سر نقطه اول یعنی اقتصاد مذاکراتی. مگر جامعه

ما عباس ندارند؟ مگر جامعه ما عباسشان را به مستقل بودن، منفعل نبودن نمی شناسند؟

آدم های مستقل، شجاع هم هستند

اولین اثر استقلال روحی، مستحکم شدن هست. آدم های مستقل، شجاع هم هستند. شجاع شدی بلافاصله مستقل می شوی. مستقل شدی بلافاصله شجاع می شوی. این اثر طبیعی شجاعت و مستقل بودن است. چیزی که شما باز در وجود حضرت عباس (ع) می بینید، شجاعت. ریشه منفعلانه زندگی کردن، ترس است؛ هر نوع ترسی.

زندگی منفعلانه، یک زندگی توام با ترس و خالی از امنیت است

زندگی منفعلانه، یک زندگی توام با ترس و خالی از امنیت هست. آدم های منفعل، جوامع منفعل، ترسو هستند. شجاعت تحول را ندارند. شجاعت تغییر وضعیت خودشان را ندارند. شجاعت اقدام را ندارند. ترس برادر مرگ است. عجب ضرب المثل عمیقی هست. یک جامعه را می خواهی بکشی، کافی است این جامعه را بترسانی. مرگ جامعه، با ترساندن جامعه اتفاق می افتد، دیگر نمی تواند این جامعه روی پای خودش بایستد. لذا شما می بینید مستکبرین عالم و برخی سیاسیون، ناجوانمردان، مردم را می ترسانند. جرم این ترساندن چقدر سنگین هست؟ به اندازه کشتن یک جامعه، قیامت سختی خواهند داشت، سیاسیون که با ترساندن مردم رای آوردند.

ترس از حرف مردم، عامل کاهش فرزندآوری

به بعضی ها می گویی چرا فرزند نمی آورید؟ شما که شرایطش رو دارید، می گوید دلم می خواهد اما چه کنم از حرف مردم می ترسم! از نگاه مردم می ترسم! باید به این جور آدم ها گفت ای منفعل! آیا کلمه بدتر از این وجود دارد؟ مستقل باش! برو بگو من می خواهم مستقل باشم، درست تصمیم بگیرم، خودم تصمیم بگیرم. اصلا رفقا بیاید، یکبار هم شده یه بار کل زندگی خودمان را مرور کنیم، ببینیم کجا و کی برای مردم زندگی می کنیم و کجا و کی برای خودمان زندگی می کنیم؟ ببینید چقدر راحت یک جامعه را می شود مدیریت کرد با ترس. دیگر لازم نیست بمب و موشک بیاوری، ترس را بنداز به جان ملت، مثل آب خوردن، جمعیتشان را نابود کن.

امنیت، شجاعت، قدرت و استحکام، گوهر های مستقل بودن

زندگی فعالانه، یک زندگی توأم با امنیت است. مستقل بودن، به انسان امنیت می دهد و موجب امنیت دیگران هم می شود. دیدید عباس(ع)، چطور برای خیمه ها امنیت آفرین بود؟ ما الان دست انداختیم، در عمق شخیصت حضرت عباس(ع)، غرق داریم می شویم در فضیلت با عظمت وجود نازین عباس(ع)، یعنی مستقل بودن، بعد این همه دُر و گوهر صید می کنیم. امنیت، شجاعت، قدرت و استحکام. اینها همه از آثار مستقل بودن است.

امشب از عباس چه بخواهیم؟

امشب از عباس چه بخواهیم؟ برای خودمان، برای جامعه خودمان! از عباس (ع) کم نخواهید، از باب الحوائج الی الله کم نخواهید، از عباس، گوهر وجود عباس را بخواهید، بگویید یا عباس، ما مستقل شدن را می خواهیم. به ما، به جامعه ما استقلال روحی، هدیه کن!